

آن عقاب مست و این زاغ پیر

پهلوی های فلسفی و توحیدی **فتوای رمضان!**

پیوسته به گذشته قسمت دوم و پایانی :



محمد امین فروتن



برای ورود به بحث مربوط به رمضان می بایستی هدف اصلی این فریضه را به عنوان یک گفتار فلسفی در حوزه توحید توضیح نمود و به چند پرسش گوناگون فلسفی پاسخ داد. نخست باید به این پرسش متعلق به فریضه رمضان که آیا تنها انسان به حیث یک موجود هدف مند اجتماعی در تاریخ بشر مکلف به انجام فریضه ای موسوم به رمضان بوده است یا هم انسان بحیث یک موجود فعالی که مؤلد خرد و عقل است به عنوان یک حلقه کوچک اما در عین حال جانشین پروردگار در هستی مأمور گشته است تا سالی یکماه چنانچه قرآن تصریح نموده است که زمان روزه از سحر تا اول شب یعنی غروب آفتاب است

مفهوم آیه ۱۸۷ البقره ؟

<https://www.youtube.com/watch?v=LAY4kzeQWtA&feature=youtu.be>

روزه بگیرد. و به قول روشن قرآن همه هستی و تمامی حلقه های از کائنات نزد خدا تسبیح می گویند و به سجده میروند. بنا بر این بی ربط نخواهد بود که اگر ضرورت این عملیه را بصورت مشاجره آمیز و گفتمانی درپرتو قوانین حاکم بر هستی مورد بررسی قرار دهیم به پاسخ این پرسش علمی که ذره، ذره ای از کائینات و هستی همچنان تمامی سلول ها و حجرات زنده جان در طبیعت نیاز نوبتی و متحرک به یک تصفیه عمومی دارند و انسان به عنوان یک حلقه آگاه و خرد مند کائنات که خداوند وی را نمائنده و خلیفه خود در هستی انتخاب نموده است بخشی از فرآیند رمضان به شمار می آید، فلاسفه و دانشمندان معاصر پس از قربانی های بی شماری در راه علم و فلسفه به این کشف بی نظیری دست یافته اند که جهان حادث و مسبوق به عدم است در مقابل خلقت از ماده. هر چیز از ذات خداوند وجود یافته و بطور تام تابع فعل و مشیت اوست. اوگوستین قدیس (Saint Augustinus) از تأثیرگذارترین فیلسوفان و اندیشمندان مسیحیت در دوران باستان و اوایل قرون وسطی این سخن را در جایی اینگونه بیان می کند:



دگرگونیهایی که در اشیاء این دنیا که آخرین و پایین ترین مرحله خلقت واقع می شوند آشکارا باید بر ماده ای بی شکل عارض شوند و اگر تمام صورت ها به دور افکنده شوند تا آنجا که به غیر از این بنیان بی شکل که از رهگذرش اشیا از صورتی به صورت دیگر تغییر می کنند چیز دیگری باقی نمی ماند. فقط یک خیال پرداز میتوانست با توسل به خیالات سرکش خود مدعی شود که این بنیان بی شکل می تواند شاهدهی بر دگرگونی های زمان باشد. چنین چیزی برای آن یکسره محال است زیرا بدون تغییر از سنخ حرکت اساساً زمان وجود ندارد و آنجا که صورتی وجود ندارد دگرگونی نیست. این کشف فلاسفه و دانشمندان ما و همه روشنفکران نو اندیش و مسلمان جهان را به اصل زرین قرآن که در شب قدر یا همان شب تعیین مقدرات و سرنوشت بشر نزول یافته است ممنون میسازد که

بدون شک شب قدر به قول اکثریتی از مفسران و دانشمندان جهان در همان دهه ء اخیر ماه رمضان در تمامی نقاط زمین بوقوع می پیوندد مطمئن می سازد و مکلف .

<https://www.youtube.com/watch?v=RFo06LljAtI>

از این مبحث چنین نتیجه گیری بعمل می آید که چنانچه قرآن پاک همه حلقه های از کائنات و هستی را تسبیح گوین به معرفی گرفته است همه حلقه های از هستی در حرکت اند و تابعیت از زمان و مکان دارند وقتی در فرآیند همین زمان و مکان به تعاملات و دگرگونی های فزینکی قرار میگیرند لاجرم نیاز به یک تمیز کاری و ویرایش عمومی دارند اما نه میتوانند بدون اقتدا بر انسان این خلیفه ء خدا به عنوان یک موجود تسبیح گو اظهار وجود کنند ، باید گفت که معنای تسبیح بر مفهوم **محاسبه** نیز پایبندی به چنین نظم و پاکی را میسرسانند

<https://www.youtube.com/watch?v=AtBXylnixFo>

پهلوی های فلسفی و توحیدی **فتوای رمضان** در پارادایم رحمت الهی !

در علم تاریخ آنگاه که ارتباط انسان با هستی و خلقت بصورت مستدل و بر اساس دیالکتیک عقلانی رارقربنشده باشد بدون هرگونه تردید بر تمامی پژوهش های که پیرامون حیات تاریخی - سیاسی و فرهنگی انسان تأثیرناگوار می افکنند و این عملیه تا آنجا به پیش برده میشود که نسل های گوناگون بشریت که پس از این عیب عمومی فلسفی به دنیا می آیند نسبت به بسیاری از افکار و اندیشه ها بصورت توهومی قضاوت می کنند ، نباید فراموش کرد که این نوع کژ فهمی های توهم زا زمانی برای انسان معاصر به میراث مانده شد که نگاه انسان نسبت به مفهوم دین در چهارچوب های از قبل آماده شده ای که منجر به مسخ هویت علم گردید و علم این جوهر خداگونه گی انسان را به دوبرخش علوم دینی و علوم غیر دینی تقسیم نمودند ، کاملاً طبیعی است که در چنین تقسیم بندی ای که به بخشی از هویت انسان تعلق دارد انسان این جانشین خداوند در زمین دچارذلت و حقارت تاریخی گردد درحالیکه هیچگاه نه میتوان مؤلفه ء علم و خرد را به قسمتی از دین و یا هم لا دینی نسبت داد و تقسیم نمود و اصولاً این گونه تقسیم بندی ها در حوزه خرد و آگاهی امکان پذیر نه میباشد . وقتی خداوند بزرگ در آیه ای سوم سوره المائده قرآن پاک با صراحت اعلام میدارد : **الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا** در واقعیت مسیرحیات تاریخی ای هستی و انسان را در قلمرو دین و اسلام تعیین می دارد ، اکثریتی از قرآن شناسان معاصر اکمال دین را به کامل ساختن خلقت کائنات تفسیر میدارد که برای کشف آن نعمت اش را که همانا خرد متعهد و کشف کننده

ماهیت هستی نامیده شده برای ادامه حیات آئنده بشر بنام اسلام به عنوان یک اندیشه و حرکت علمی بشری در تاریخ در نظر گرفته شده است و در بند دوم آیه متبرکه یعنی **وَرَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا تَجَلَى** یافته است .



اکنون و در روشنی ی تفسیر این آیه ای از قرآن به این نتیجه می رسیم که از دیدگاه اسلام، حرکت و سیر تاریخ به سوی عبودیت به اساس سیر علمی و خردمندانه حاکمیت ارزش هاست و اگر غیر از این بود، حرکت تاریخ امری پوچ می نمود. و حرکت تکاملی در فطرت و گوهر تاریخ و لازمه ذات آن است که طبیعت تاریخ نه یک طبیعت مادی محض، بلکه شامل تمام ابعاد انسانی به شمار می رود . انسان خردورز و متعهد و مهذب است که می تواند به عبودیت و قرب الهی نایل شود و خود را در مدار هستی و فرجام تاریخ قرار دهد . البته نگاه غیر توحیدی به هستی و انسان در تاریخ که لزوماً یک نگاه شرک آلود و غیر عقلانی به شمار می آید و در بخشی از فتوای BBC به آن اینگونه اشاره شده است :

<https://www.youtube.com/watch?v=osBNEI7jHD4&feature=youtu.be>

اختلاف اصلی بر سر سرزمین های بخش دوم است که طول روز در آن از هجده تا کمتر از بیست و چهار ساعت می رسد و نزدیک به ۳۰٪ از خشکی های کره زمین را تشکیل می دهند. کشورهای حوزه اسکاندیناوی، بریتانیا، آلمان، هلند، فرانسه و شمال روسیه، از جمله همین سرزمین ها هستند. بسیاری ها در این کشورها می گویند که در چنین ساعات دراز روزه گرفتن بسیار دشوار خواهد بود، بخصوص برای افراد مسن. دانشمندان مسلمانی که خواستار کاهش ساعت های روزه گرفتن در این کشورها هستند، به آیه ۱۸۵ سوره بقره اشاره می کنند که در پی آیه صیام آمده است. این آیه تصریح می کند که “خداوند برای شما آسودگی می خواهد نه مشقت و عُسْر.”

پس چه باید کرد ؟

آیا براستی هم اسلام دین مشقت و خشونت است ؟

هرچند در آخرین بخشی از فتوای موسوم به فتوای BBC کار همه پژوهشگران را آسانی بخشیده است و با بیان این مطلب که :بسیاری ها در این کشورها می گویند که در چنین ساعات دراز روزه گرفتن بسیار دشوار خواهد بود، بخصوص برای افراد مسن. « زیرا از فحوی این بخشی از آیه قرآن پاک با استعمال کلیماتی چون " بسیاری ها در این کشورها " پای رجال دیندار و معتقد ی به میان کشانده شده که آنها برویت عقل و خرد متعهد با اصل عبودیت چنین حکم می نمایند که گویا روزه گرفتن در این کشورها بسیار دشوار است !!



کاملاً طبیعی است که وقتی هر فردی از معتقدان به انجام یک اصل عبادی و فریضه الهی اظهار ناتوانی کنند برای شان دوری جستن از آن فریضه نه تنها یک فرضیه اخلاقی دانسته میشود بلکه به عنوان یک مؤمن مکلف است تا از روزه گرفتن پرهیز نمایند و طبیعی است که وی باز هم برویت عقل و آگاهی انسانی اش مصلحت اخلاقی و مدنی خود را درقبال چگونگی انجام فریضه ای که وی به آن مکلف گردانیده شده است ترسیم نماید و باید با در نظر داشت شرائط خاص زندگی عمومی اش خود تصمیم گیری کند که چگونه ، کجا و چه مقداری از مواد ارتزاقی را باید به مصرف برساند ؟ . زیرا اگر زمانی با توجه به حرکت عمومی زمین و کائنات مکلف به یکماه روزه گرفتن بود ، اکنون و در شرائط جدیدی که به وجود آمده بصورت فردی مسؤل ساخته شده تا مواد ارتزاقی لازم را به مصرف برساند و هرگاه شرائط تغییر نمود و خود نیز توان مندیی گرفتن روزه را دریافت

تحت حکم روزه داری قرار میگیرد و طبق محیط زیست معین عمل میکند. البته این نوع فتوی های داعشی شبه مذهبی از درک ناقص از دین بویژه از اسلام آنگاه بازار می یابند که اسلام از سوی مبلغان شبه مذهبی خشونت گرا به شیوه یک دینی که تصور میکنند ارزشهای اخلاقی را در فرآیند امر بالمعروف و نهی عن المنکر بصورت خود خواسته و غیر مشروع با « نه » گفتن های که « **نرو** » **نکن** » **نه بین** » **نگو** » **نه فهم** » و ده ها **نه** گفتن های که محصول جهان بینی شکمی مبلغان توظیف شده شبه مذهبی میباشند در میان نسل جدید نهادینه میسازند ، و در برابر انجام چنین رسالت بزرگ مورد پاداش خداوند بزرگ واقع میگردند !! اما نه میدانند که نسل جوان امروزی بویژه میلیونها دختر و پسر که در قرن بیست و یکم و در جهان دهکده مانند کنونی زندگی میکنند به دنبال دینی هستند که دین شان پاسخگویی نیازهای زمان شان باشد . از سوی دیگر مبلغان شبه مذهبی جوامع اسلامی با جهان بینی ثابت و راکد و باشیوه های سنگواره ای و متحجرانه متون ارزشمند دینی را چنان مسخ میکنند که گویا وظیفه یافته باشند تا نسل جوان امروزی را در برابر اخلاق - مذهب آزادی و استقلال فردی و اجتماعی به اوجی از نفرت که همسایه در به دیوار خشونت است ملحق سازند . چنانچه گفتیم در نگاه توحیدی به تاریخ انسان موجودی است که در ماورای هویت ادیان گذشته انسان برادر انسان و قرآن نیز که کتاب فطرت الهی و نقشه راهی برای همه انسان ها و در همه عصرها به حساب می آید انسان این جانشین پروردگار را بر بالهای عقلانیت مهمترین و مقدس ترین منبع رسالت الهی از **خدا** تا به **خدا** رهنمائی میکند و به معراج " إنا لله وإنا إليه راجعون " میرساند . اسلام هرگونه سختی و آزار را مردود اعلام میکند و بصورت روشن در سوره المائده مسأله حفظ حرمت و وقار را نه تنها در حوزه معرفت انسانی بلکه در قلمرو تمامی آنچه که نفس می کشند و جان دارند اینگونه بیان میدارد : مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا .

<https://www.youtube.com/watch?v=My4KvE8ssdl>

البته در نهضت فکری اسلام جایگاه انسان بحیث موجود دارای اندیشه و تفکر تبیین میگردد و تاریخ نخستین روزگار اسلام گواه بر واقعیتی است که چگونه جنذب بن جناده یک عرب بدوی بی سواد صحرا گرد در شبه جزیره گمنام عربستان در هویت ابوذر غفاری دارای جایگاه بلندی شده است این بدان معناست که اعتقاد ات و باور های اسلامی در در یک جامعه انسانی آنگاه که در وجود افراد واحادی از مردم به وجدان و اخلاق اجتماعی مبدل گردد سلامتی جامعه را در برابر آنچه که عوارض و تبعات طبیعی فرهنگ فساد آلود نظام های حاکم مافیائی محسوب میشوند تضمین میدارد .

پایان